

فرهنگ‌مطهر^س

نمروز ۱۳۹۳ / شماره اول

❖ سقره دل / سرمقاله ❖

❖ تاریخچه تحصیل دانشگاهی در ایران ❖

❖ نکاتی در مورد روش های صحیح مطالعه ❖





زندگی، سبزترین آیه، در اندیشه ی برگ
زندگی، خاطر دریایی یک قطره، در آرامش رود
زندگی، حس شکوفایی یک مزرعه، در باور بذر
زندگی، باور دریاست در اندیشه ی ماهی، در تنگ
زندگی، ترجمه ی روشن خاک است، در آینه ی عشق
زندگی، فهم نفهمیدن هاست
زندگی، سهم تو از این دنیاست
زندگی، پنجره ای باز به دنیای وجود
تا که این پنجره باز است، جهانی با ماست،
آسمان، نور، خدای عشق، سعادت با ماست
فرصت بازی این پنجره را دریابیم،
در نبندیم به نور
در نبندیم به آرامش پر مهر نسیم
پرده از ساحت دل، برگیریم
رو به این پنجره با شوق، سلامی بکنیم
زندگی، رسم پذیرایی از تقدیر است
سهم من، هر چه که هست
من به اندازه این سهم نمی اندیشم
وزن خوشبختی من، وزن رضایتمندیست
شاید این راز، همان رمز کنار آمدن و سازش با تقدیر است
زندگی شاید،
شعر پدرم بود، که خواند
چای مادر، که مرا گرم نمود
نان خواهر، که به ماهی ها داد
زندگی شاید آن لیخندی ست، که دریغش کردیم
زندگی، زمزمه ی پاک حیات است، میان دو سکوت
زندگی، خاطره ی آمدن و رفتن ماست
لحظه ی آمدن و رفتن ما، تنهایی ست
من دلم می خواهد،
قدر این خاطره را دریابم

کیوان شاهبداغی



فرهنگ‌مطهر

نوروز ۱۳۹۳ / شماره اول

۴ سرمقاله

۵ اخبار

۶ تاریخچه دانشگاه

۸ گوناگون

۹ نکاتی در مورد روش های صحیح مطالعه

۱۰ کاریکاتور

دبیر تحریریه | حامد علی بک زاده

هیات تحریریه | حامد علی بک زاده / محمدرضا خرسندی /

وفا محمد باقری / حسین رستمی / امیر فردوسی زاده

ویراستار | وفا محمد باقری

صاحب امتیاز | دانشگاه فرهنگیان

سرمدبیر | حامد علی بک زاده

دبیر اجرایی | محمدرضا خرسندی

مدیر هنری و طراح گرافیک | حسین رستمی



سُفرهٔ دل

به قلم: سردبیر

گشوده می شوند و اینگونه، جشنواره انسان و طبیعت افتتاح می شود.

بهار آمده تا به ما بگوید لحظه ها چون ابر در گذرند؛ تا به این همه تحول و تغییر، به دیده عبرت بنگریم.

سخن در پرده می گویم چو گل از غنچه بیرون آی که بیش از پنج روزی نیست حکم میرنوروزی پروانه ها، کاسه های شبنم در دست، بر فراز گل ها درآمد و شادند. پرستوها برف از بال ها تکانده، امیدوار به سوی لانه ها بازمی گردند.

گاه، خورشید می تابد و بر ابرها پادشاهی می کند و گاه، باران می بارد و بر پیکر آسمان و زمین، لباس طراوت و تازگی می پوشاند. هر رفتنی را آمدنی است و هر آمدنی را رفتنی؛ چنان که زمستان می رود و بهار می آید، شب می رود و روز می آید؛ ما نیز روزی به جهان می آییم و ناگزیر باید به سمت مقصدی ابدی، جاده های زمان را طی کنیم.

نوروز می آید تا گرد غفلت را از رخسارمان بشوید و از خواب های دراز خرگوشی بیدارمان کند. تا بدانیم که ایستایی و رکود، شیوه مرداب است.

یا مقلب القلوب!

قلب های زنگار گرفته مان را به یادت به رودخانه روشنی می سپاریم و در تار و پودش بذر مهر می پاشیم.

ای تدبیرکننده روز و شب، ای تغییردهنده حال ها! یاریمان کن تا با سلاح عشق و صداقت و ایمان، به بهترین حال ها دست یابیم. وقتی غبار تیرگی و کینه را از روح و جانمان تکانده باشیم، در دل های آفتابی مان هفت سین سلام و سادگی گسترده خواهد بود.

نوروز، از نفس های معتدل بهار می تراود و در سفره گلدار هفت سین دمیده می شود؛ سفره ای که در آن ماهی قرمزی، تکرار تازه زندگی را میان تنگ کوچکی از آب گوشزد می کند.

نوروز، هفت سین را از بازار بهار می آورد و با سلیقه می چید تا عشق را از پس گونه های سرخ «سیب»، هدیه کند، تا شمه ای از بهشت را از لابه لای گلبرگ های «سنبل»، به ارمغان آورد. حالا برکت را در طعم پر از شیرینی و گندم «سمنو» می توان چشید.

می توان با گیسوان شانه خورده سبزه ای جوان که تکه ای از طبیعت را به خانه آورده، طراوت را دسته کرد و دانه دانه «سکه های نو» را که در کنار سفره برق می زنند و بوی عید می دهند، در دست های کودکان کاشت تا شوق معصوم کودکی، در باغ چشمشان بشکوفد.

ساقیا! آمدن عید مبارک بادت

وان مواعید که کردی مرود از یادت

بهار می آید؛ با چمدانی پر از شکوفه و لبخند. چشم هایش، آمیزه خورشید و ابر؛ دلش آینه بندان سبزه و باران.

بهار می آید و از رد گام هایش، رودهایی زلال، زمین چرک را به شستشو می خوانند. نوروز از راه می رسد و خاک، در رستاخیزی شگفت، رستن آغاز می کند.

مردمان شهر، دست در دست مهربانی با گل و آینه به شادباش هم می روند.

از قلب ها پنجره هایی بی شمار به سمت هم

دکتر مهر محمدی، سرپرست دانشگاه فرهنگیان به همراه اردستانی، مدیر کل امور حقوقی دانشگاه،

در سفری دو روزه از پردیس ها و مراکز آموزش عالی استان آذربایجان غربی بازدید نمود

عبودیت خود اعتراف کردند این کار را انجام دادیم تا در قیامت که روز حساب است کسی بهانه نیاورد. آری میثاق در موطنی است که هم اکنون اگر کسی غبار رویی کند به یادش می آید. و طبق این آیه آن نشئه که انسان میثاق سپرد زنده و معصوم و مصون است و یقیناً نقش معلم در ارتباط با این غبار رویی فطرت انسان ها ستودنی است.

در ادامه جناب آقای الهام ریاست مرکز و اساتید حاضر در جلسه به بیان پاره ای از مسائل و مشکلات مرکز اشاره نمودند و سپس جناب آقای دکتر مهر محمدی ریاست محترم دانشگاه به بیان نقطه نظرات خود در پیرامون نقد و بررسی موضوع های مطرح گردیده پرداخته و ایشان برای رفع مشکلات مرکز قول مساعدی دادند. دکتر مهر محمدی به وجه تمایز دانشگاه فرهنگیان با سایر دانشگاه های کشور اشاره نمود که باید کوشید محتوا، ظرف، بستر و برنامه ریزی های منظم و لازم برای اجرای کلاس های فوق برنامه دانشجویان را فراهم کند. تا آن اهداف مقدس که دانشگاه به آن می اندیشد محقق گردد. در ادامه دکتر مهر محمدی در نماز جماعت مغرب و عشاء در جمع دانشجویان شرکت نموده و بعد از اقامه نماز به سوالات دانشجویان حاضر در خوابگاه پاسخ دادند و دانشجویان از این دیدار بسیار با صفا و صمیمی در اتاق های دانشجویی لذت بردند و در خاتمه دکتر مهر محمدی با حضور در سالن غذاخوری در یک فضای پر از محبت و عاطفه در کنار دانشجویان شام صرف نمودند.

دکتر مهر محمدی و هیئت همراه در شامگاه روز پنجشنبه ۱۳۹۲/۱۲/۰۱ در مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) سلیمان حضور یافتند و در این بازدید صمیمی ایشان در بدو ورود به مقام شامخ شهیدان مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) شهرستان سلیمان با قرائت فاتحه ای ادای احترام نمودند. و سپس در جمع کارکنان و اساتید و دانشجو معلمان حضور یافتند. در ابتدای این جلسه پس از تلاوت قرآن کریم توسط قاری کشوری برادر علی جلیل زاده، جناب آقای الهام مسئول مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) سلیمان ضمن خوش آمدگویی به ریاست محترم دانشگاه فرهنگیان کشور و هیئت همراه در ارتباط با نقش معلم با فطرت پاک انسان ها اشاره نمودند که خداوند در روز الست طبق آیه ۱۷۲ سوره مبارکه اعراف می فرماید: وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ و (به یاد آور) زمانی که پروردگارت، از پشت بنی آدم، فرزندان و ذریّه آنان را بر گرفت و آنان را گواه بر خودشان ساخت (و فرمود): آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: بلی، ما گواهی دادیم (که تو پروردگار مایی، این اقرار گرفتن از ذریّه آدم برای آن بود) تا در روز قیامت نگویی: ما از این، غافل بودیم.

در این آیه خداوند می فرماید ما در نشئه ای انسان ها را گواه خودشان قرار داده ایم و نفسشان را به خودشان نشان دادیم و آن ها به ربوبیت خدا و

آئین استقبال از دانشجویان جدیدالورود ۱۳۹۲ در مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) سلیمان

توجه داشته باشند که با عملکرد خود جامعه را به سوی رشد سوق دهند و برای سایر اقشار یک الگو و نمونه باشند.

در ادامه این مراسم حجت الاسلام والمسلمین موسوی، امام جمعه محترم شهرستان سلیمان، نیز ضمن خیر مقدم گویی به دانشجویان جدیدالورود به الهی بودن نقش معلمی تاکید کرد و گفت: معلمی شغل انبیاست و نقش معلم در جامعه نقشی حساس است و باید در این عرصه با تلاش های شما دانشجو معلمان موفقیت های چشمگیری بدست آید. در ادامه با اجرای سرود توسط دانش آموزان دبیرستان شاهد امام صادق (ع)، از میهمانان پذیرایی بعمل آمد. در طول مراسم از رتبه های برتر کنکور سراسری و نفرات برتر کلاسها و پژوهشگران نمونه با اهداء لوح تقدیر و جوایز تجلیل شد. در پایان این مراسم دانشجویان از نمایشگاه نفی و هابیت و سلفیت که در محل دانشگاه آزاد اسلامی که با مشارکت بسیج دانشجویی مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) و بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی برگزار شده بود بازدید کردند.

جشن ورودی دانشجویان جدیدالورود دانشگاه فرهنگیان (مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) سلیمان) با حضور حجت الاسلام والمسلمین امام جمعه محترم و فرماندار محترم شهرستان سلیمان و کارکنان و دانشجویان جدیدالورود در سالن اجتماعات مرکز برگزار شد. برنامه های متنوعی در این مراسم تدوین شده بود که دانشجویان با شور و نشاط از آن استقبال کردند.

در این مراسم بعد از قرائت آیاتی چند از کلام الله مجید و پخش سرود ملی، آقای الهام، ریاست مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) سلیمان، ضمن خیر مقدم گویی به دانشجویان و میهمانان خاطر نشان کرد: دانشجو بودن افتخار شیرینی است که جدیدالورودها بیش از هر کسی در دانشگاه با قلب و جانانشان حس می کنند، گل های سرسبزی که فضای معنوی دانشگاه را با قدومشان عطر آگین کردند.

وی به نقش دانشجو معلمان اشاره و تاکید کرد: شما دانشجو معلمان وظیفه سنگینی در قبال جامعه بر عهده دارید. وی تصریح کرد: دانشجویان عزیز باید

تاریخچه تحصیل دانشگاهی در ایران

توجه به آداب معلمی از دیرباز در فرهنگ اسلامی و ایرانی ما جایگاه خاصی داشته است. لیکن تا آغاز حکومت مشروطه در ایران، دولت مرکزی برای تأسیس مدرسه و تربیت معلم هیچگونه مسئولیتی برای خود قائل نبوده و هر مدرسه متولی مخصوص داشت که از محل درآمد موقوفات مدرسه، امور مختلف مدرسه را اداره می نمود. معلمان از میان طلاب ساعی و با استعداد انتخاب می شدند. این طلاب از استادان خود اجازه نامه ای (که در پشت صفحه اول یا آخر یکی از کتابها به خط استاد نوشته شده بود دریافت کرده بودند) که در واقع «دانشنامه یا گواهینامه» بود و سند معتبری برای معلم جهت تدریس محسوب می شد.

در کنار این مدارس مکتب خانه هایی نیز وجود داشت که فرزندان عامه مردم در آن به تحصیل می پرداختند و خود را برای ورود به مدارس آماده می کردند. مکتب داری یک حرفه خصوصی بود و هر روحانی محله ای که حوصله و آمادگی برای تعلیم به کودکان را داشت، بی هیچگونه قید و شرط و اجازه نامه ای به شغل معلمی و مکتب داری می پرداخت. هریک از شاگردان ماهانه مختصری برای تحصیل می پرداختند این مبلغ برای زندگی بسیار ساده معلمان کافی نبود. لیکن آنها کار معلمی را با علاقه انجام می دادند.

پس از تأسیس «دارالفنون» در سال ۱۲۲۹ هجری شمسی و ایجاد و گسترش مدارس جدید از قبیل مشیریه، رشدیه، ادب، سادات، اسلام، اقدسیه، علمیه، کمالیه، مروت، سلطانی، شرف، دانش و... نیاز به معلم برای تدریس در مدارس به ویژه معلمانی که با اصول تعلیم و تربیت جدید آشنا باشند به خوبی احساس می شد. اولین اقدام رسمی در زمینه تربیت معلم، تصویب قانونی در اردیبهشت ماه سال ۱۲۹۰ توسط مجلس شورای ملی بود. در این قانون اصول اولیه تربیت اطفال مطرح شده بود. طبق قانون مزبور برای اولین بار مجوز اعزام ۳۰ نفر جهت ادامه تحصیل به خارج از کشور صادر شد که از این تعداد ۱۵ نفر یعنی نیمی برای معلمی (رشته تعلیم و تربیت) و ۸ نفر برای تحصیل در علوم نظامی، ۷ نفر برای رشته مهندسی انتخاب شدند. در همین سال برای افزایش سطح سواد معلمان موجود در تهران کلاسهای مخصوصی در مدرسه دارالفنون تشکیل گردید که در برنامه درسی آن علاوه بر دروس علوم و ادبیات، برای اولین بار دروس دیگری تحت عنوان «اصول تعلیم» افزوده شده بود تا معلمان از اصول اولیه برای تربیت اطفال مطلع گردند.

اقدام مهم دیگری که در راه تربیت و تأمین معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه صورت پذیرفت تصویب قانون تأسیس «دارالمعلمین مرکزی» (دارالمعلمین و دارالمعلمیات) در سال ۱۲۹۷ توسط مجلس شورای ملی بود. از این تاریخ ایجاد مراکز تربیت معلم زن و مرد صورت قانونی به خود گرفت. دارالمعلمین مرکزی مدرسه ای دولتی و رایگان بود و تحت نظر وزارت معارف اداره می شد رئیس آن توسط شخص وزیر انتخاب و منصوب می گردید. وظیفه آن تأمین معلم برای مدارس ابتدایی و دوره اول متوسطه بود. بنابراین به دو قسمت ابتدایی (تأمین معلم برای ۴ سال اول دوره ابتدایی) و عالی (تأمین معلم برای سال پنجم و ششم ابتدایی و دوره اول متوسطه) تقسیم می گردید دوره تحصیل در قسمت ابتدایی سه سال (۲ سال نظری و یکسال عملی) و در قسمت عالی چهار سال (۳ سال نظری و یکسال عملی) به طول می انجامید.

شرط ورود به هر دو قسمت داشتن گواهینامه شش ساله ابتدایی و سن متقاضیان برای ورود به قسمت ابتدایی بین ۱۷ تا ۲۱ سال و برای ورود به قسمت عالی بین ۱۸ تا ۲۲ سال تعیین شده بود.

پس از پایان مدت تحصیل به فارغ التحصیلان «تصدیق نامه معلمی» برای تدریس در ابتدایی یا متوسطه اعطاء می گردید و موظف بودند پس از فراغت از تحصیل به مدت ۱۰ سال در وزارت معارف تعهد خدمت خود را انجام دهند. نخستین مرکز تربیت معلم به نام «دارالمعلمین مرکزی» با ریاست ابوالحسن فروغی و معاونت اسماعیل مرآت تشکیل شد پس از آن با توجه به احساس نیاز به تربیت معلمان زن جهت تدریس در مدارس دخترانه، اولین مرکز تربیت معلم دختران به نام «دارالمعلمیات» به نظامت خانم نشاط السلطنه دختر صفی علیشاه تأسیس شد.

در فروردین ماه ۱۳۰۶ اساسنامه «دارالمعلمین شبانه اکابر» به تصویب شورای عالی معارف رسید. هدف از تأسیس این مراکز رفع نقایص تدریس معلمان ابتدایی بود و دوره تحصیل آن یکسال بود و در صورت عدم موفقیت معلمان در امتحانات آن، از شغل معلمی محروم می شدند.

در مهرماه ۱۳۰۶ اساسنامه دوره تحصیلات فنی «دارالمعلمین ابتدایی ولایات و ایالات» به تصویب شورای عالی معارف رسید هدف از آن، تأمین معلمان مدارس ابتدایی استان ها و شهرهای ایران بود. متقاضیان شغل معلمی با مدرک دوره اول متوسطه وارد این مراکز شده و در صورتی که دوره یکساله را با موفقیت بگذرانند. به آنان «گواهی فارغ التحصیلی معلمی» اعطاء می شد.

در سال ۱۳۰۷ قانون فرستادن دانشجو به خارج از کشور برای تحصیل در دانشگاه های معتبر اروپا به تصویب رسید به موجب این قانون، دولت موظف شد تا ۶ سال، هر سال صد نفر از میان فارغ التحصیلان دبیرستانها انتخاب و به اروپا اعزام نماید. ۳۵٪ از این دانشجویان به موجب قانون بایست در رشته تعلیم و تربیت تحصیل کنند و برای معلمی آماده شوند.

به منظور گسترش دبیرستانها و تربیت و تأمین دبیران مورد نیاز آن در سال ۱۳۰۷ دارالمعلمین مرکزی به «دارالمعلمین عالی» تبدیل گردید و برنامه تربیت معلم متوسطه بنیانگذاری شد اساسنامه و برنامه دارالمعلمین عالی در سال ۱۳۰۸ به تصویب شورای عالی معارف رسید. دارالمعلمین عالی مشتمل بر دو قسمت علمی و ادبی بود که قسمت ادبی شامل رشته های فلسفی، ادبیات، تاریخ و جغرافیا و قسمت علمی شامل رشته های فیزیک، شیمی، طبیعیات و ریاضیات بود. دوره تحصیلات دارالمعلمین عالی ۳ سال در نظر گرفته شده بود و دارندگان گواهینامه کامل متوسطه رشته ادبی و علمی می توانستند در رشته ادبی یا علمی این مؤسسه برای تحصیل ثبت نام کنند. طبق اساسنامه، تدریس دروس علوم تربیتی از مهرماه سال ۱۳۱۱ در دارالمعلمین عالی اجرا گردید و دانشجویان این مرکز باید علاوه بر تحصیل در رشته خود مواد علوم تربیتی را نیز فرا گرفته و امتحان دهند. مواد علوم تربیتی شامل ۶ درس و هر کدام به میزان ۲ ساعت در هفته بود. این دروس عبارت بودند از:

۱- معرفت النفس از لحاظ تربیتی ۲- فلسفه تربیت ۳- علم اجتماع از لحاظ تربیت ۴- تاریخ تعلیم و تربیت ۵- مبانی تعلیمات متوسطه ۶- اصول تعلیم و تربیت دانشجویان

مختار بودند که این دروس را در مدت ۳ سال همراه با مواد رشته تحصیلی خود و یا در مدت یکسال به طور مستقیم بگذرانند. براساس «قانون استخدام فارغ التحصیلان دارالمعلمین عالی» این فارغ التحصیلان با رتبه ۴ به استخدام در می آمدند، در صورتی که سایر کارکنان دولت با رتبه ۳ استخدام می شدند. وزارت معارف مکلف بود فارغ التحصیلان دارالمعلمین عالی را در مدارس دولتی به خدمت بگمارد و دولت نمی توانست این فارغ التحصیلان را تا موقعی که وزارت معارف به آنان نیازمند بود در هیچیک از ادارات خود به خدمت نپذیرد. محل دارالمعلمین عالی در باغ نگارستان (حوالی میدان بهارستان) قرار داشت. استادان دارالمعلمین عالی عبارت بودند از:

۱. عباس اقبال آشتیانی، معلم جغرافیای انسانی و تاریخ (فارغ التحصیل از دانشگاه پاریس) - ۲. میرزا احمد بهمنیار، معلم زبان و ادبیات عرب و معلم مدرسه عالی سپهسالار - ۳. اسدالله بیژن، معلم علوم تربیتی (فارغ التحصیل از دانشگاه کلمبیا) - ۴. محمود حسابی، معلم فیزیک (فارغ التحصیل از دانشگاه پاریس) - ۵. ابوالقاسم ذوالریاستین، معلم گیاه شناسی و کشاورزی (فارغ التحصیل از مدرسه کشاورزی پاریس) - ۶. رضا زاده شفق، معلم تاریخ و فلسفه (فارغ التحصیل از دانشگاه برلن) - ۷. عبدالحسین شیبانی، معلم تاریخ و وزیر اسبق معارف - ۸. سید کاظم عصار، معلم حکمت قدیم - ۹. بدیع الزمان فروزفر، معلم ادبیات فارسی - ۱۰. مسعود کیهان، معلم جغرافیا و وزیر اسبق جنگ ضمناً ۸ نفر از اساتید این مرکز را معلمان فرانسوی که فارغ التحصیل دانشسرای عالی پاریس بودند تشکیل می دادند.

۲. از قوانین مهم دیگری که برای تربیت و تأمین معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه وضع شده است «قانون تربیت معلم» می باشد. این قانون در اسفندماه ۱۳۱۲ به تصویب رسید و به موجب آن دولت مکلف شد از اول فروردین ماه ۱۳۱۳ تا مدت ۵ سال، ۲۵ باب دانشسرای مقدماتی و یک باب دانشسرای عالی دختران در تهران و در ولایات تأسیس و دانشسرای عالی پسران را نیز تکمیل نماید. در این قانون عناوین «آموزگار» برای معلم دوره ابتدایی، «دبیر» برای معلم دوره متوسطه، «هنرآموز» برای معلم هنرستان و «استاد» برای معلم مدارس عالی دانشگاه وضع گردید. براساس این قانون شرط ورود به دانشسراهای مقدماتی داشتن تحصیلات سه ساله متوسطه و شرط ورود به دانشسراهای عالی داشتن گواهینامه کامل متوسطه بود. دانشسراهای مقدماتی برای مدارس ابتدایی آموزگار، و دانشسرای عالی برای دانشسراهای مقدماتی و دبیرستانها معلم، و برای مدارس، مدیر و بازرس و برای وزارت معارف اعضای فنی تربیت می کند. رؤسا و استادان دانشسرای عالی باید درجه دکتری و رؤسای دانشسراهای مقدماتی باید لیسانس دانشسرای عالی باشند.

همچنین در این قانون مقرر شده بود که به آموزگاران و دبیران حق تأهل، حق مسکن و فوق العاده خارج از مرکز نیز پرداخت شود. مفاد این قانون و اجرای آن موجب گردید تا افراد بهتر جذب شغل دبیری شوند. حقوق و مزایای دبیران از همه ادارات بیشتر شود و زمینه های گسترش مراکز تربیت معلم در تهران و دیگر استانها و شهرها فراهم آید.

برابر مفاد «قانون تربیت معلم» دانشسراها باید شبانه روزی و رایگان باشند. مدت تحصیل در دانشسراهای مقدماتی ۲ سال و در دانشسرای عالی ۳ سال تعیین شده بود. گواهینامه دانشسرای مقدماتی از لحاظ استخدامی معادل دیپلم کامل متوسطه و دانشنامه پایان تحصیلات دانشسرای عالی معادل با لیسانس بوده است. برای هر یک از دانشسراها یک دبستان یا یک دبیرستان ضمیمه پیش بینی شده بود که شاگردان سال دوم باید در آنجا تمرین معلمی را انجام دهند. طبق آئین نامه اجرایی این قانون، نخستین دانشسراهای مقدماتی در شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، کرمان، مشهد، رشت، بیرجند، ارومیه، بروجرد، کرمانشاه، اهواز و یزد تأسیس شد. با تأسیس دانشسراهای مقدماتی، دارالمعلمین و دارالمعلمیات تعطیل گردید.

برابر «قانون تربیت معلم» در سال ۱۳۱۲ دارالمعلمین عالی به «دانشسرای عالی»

تغییر نام یافت که بعد از تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ بخش ادبی آن به دانشکده ادبیات و بخش علمی آن به دانشکده علوم تبدیل شد به عبارت دیگر دانشسرای عالی عملاً استقلال خود را از دست داد و اداره آن تحت نظارت دانشگاه ادامه یافت. در سال ۱۳۳۴ دانشسرای عالی از دانشکده ادبیات و علوم مجزا گردید و در سال ۱۳۳۸ «قانون استقلال دانشسرای عالی» به تصویب رسید. به موجب این قانون دانشسرای عالی برای تربیت دبیران مورد نیاز کشور تأسیس شد. برابر این قانون دانشسرای عالی دارای شخصیت حقوقی بوده و به صورت یک مؤسسه مستقل زیر نظر مستقیم وزیر فرهنگ اداره می شد. از وظایف پیش بینی شده در این قانون، دانشسرای عالی علاوه بر تربیت دبیر مکلف است که رشته های تعلیماتی مخصوص برای تربیت مدیران و بازرسان مدارس و دیگر کارمندان تعلیماتی دایر کند.

داوطلبان تحصیل در دانشسرای عالی از میان فارغ التحصیلان دوره کامل متوسطه و یا لیسانسیه های رشته های مورد نیاز از طریق مسابقه انتخاب می شدند دوره تحصیلات برای فارغ التحصیلان متوسطه حداقل ۳ سال و برای لیسانسیه ها حداقل یکسال بوده است به فارغ التحصیلان دانشسرای عالی «دانشنامه معلمی» اعطا می گردید. برابر مفاد همین قانون همه ساله عده ای از آموزگاران شاغل به خدمت که دارای گواهینامه کامل متوسطه و ۵ سال سابقه آموزشی بودند، از طریق آزمون انتخاب و به دانشسرای عالی معرفی می شدند. این داوطلبان پس از فراغت از تحصیل موظف بودند حداقل ۵ سال در همان حوزه ای که انتخاب شده بودند خدمت نمایند.

به موجب «قانون تعلیمات اجباری» مصوب سال ۱۳۲۲ دانشسراهای مقدماتی در مناطق مختلف کشور به تدریج توسعه یافت و براساس این قانون کلاسهای کمک آموزگاری نیز برای رفع کمبود آموزگار تشکیل گردید. این کلاسها به دو صورت برگزار می شد دوره ۲ ساله که شرط ورود به آن داشتن گواهینامه تحصیلات ششم ابتدایی بود و دوره یکساله که برای دارندگان گواهینامه سوم متوسطه تشکیل می گردید. لیکن به دلیل ضعف دارندگان گواهینامه ششم ابتدایی، از سال ۱۳۲۴ شرط اصلی ورود به این کلاسها داشتن گواهینامه سوم متوسطه تعیین شد.

در سال ۱۳۲۵ «اساسنامه کلاسهای تربیت معلم» به تصویب رسید که به موجب آن مقرر شد به طور آزمایشی در تهران کلاس تربیت معلم تأسیس شود. شرط ورود به این کلاسها داشتن گواهینامه پنجم متوسطه و مدت تحصیل یکسال پیش بینی شده بود و فارغ التحصیلان آن گواهینامه ششم متوسطه علوم تربیتی دریافت می کردند.

در سال ۱۳۲۷ به منظور تأمین و تربیت معلمان ورزش برای مدارس کشور، اساسنامه دانشسراهای تربیت بدنی به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید و دانشسراهای تربیت بدنی تأسیس شد شرط ورود به این دانشسراها داشتن گواهینامه سوم متوسطه و دوران تحصیل آن ۲ سال تعیین شده بود.

در سال ۱۳۲۸ برای تأمین آموزگاران دبستان های کشاورزی اساسنامه دانشسرای کشاورزی به تصویب رسید و پس از تشکیل ۷ باب دانشسرای کشاورزی و ۶ باب دانشسرای تربیت بدنی، فعالیت این دانشسراها عملاً از سال ۱۳۳۳ تعطیل گردید.

در سال ۱۳۳۴ اساسنامه دانشسراهای عشایری به منظور تأمین آموزگاران دبستان های عشایر به تصویب رسید شرط ورود به این دانشسراها داشتن حداقل مدرک تحصیلی ششم ابتدایی و عشایری بودن تعیین شده بود. که پس از تشکیل دوره راهنمایی، فارغ التحصیلان سوم راهنمایی نیز در این دوره پذیرفته می شدند مدت تحصیل در این دانشسراها یکسال بود.

در سال ۱۳۳۸ به منظور تأمین آموزگاران مورد نیاز دبستان های کشور دوره یکساله تربیت معلم تأسیس شد شرط ورود به این دوره داشتن دیپلم کامل متوسطه بود و به فارغ التحصیلان آن فوق دیپلم داده می شد با شروع کار سپاهیان دانش پسر در سال ۱۳۴۱، کلاسهای تربیت معلم یکساله پسران تعطیل شد و با ایجاد برنامه سپاهیان دختر در سال ۱۳۴۷، دوره یکساله تربیت معلم منحل گردید.

امام سجّاد (ع):

حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ ، التَّعْظِيمُ لَهُ
وَالْتَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَحُسْنُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ

حق استاد تو این است که بزرگش
داری و محضرش را محترم شماری
و با دقت به سخنانش گوش بسپاری

طَنَز

یه روز گاو پاش می شکنه دیگه نمی تونه بلند شه، کشاورز دامپزشک میاره. دامپزشک می گه اگه تا ۳ روز گاو نتونه رو پاش بایسته گاو رو بکشید.

گوسفند اینو می شنوه و میره پیش گاو میگه بلند شو بلند شو گاو هیچ حرکتی نمی کنه... روز دوم باز دوباره گوسفند بدو بدو میره پیش گاو میگه بلند شو بلند شو رو پات بایست باز گاو هر کاری می کنه نمی تونه بایسته رو پاش.... روز سوم دوباره گوسفند می ره میگه سعی کن پاشی و گرنه امروز تموم بشه نتونی رو پات وایسی دامپزشک گفته باید کشته شی.

گاو با هزار زور پامیشه.. صبح روز بعد کشاورز میره در طویله و می بینه گاو رو پاش وایساده از خوشحالی بر می گرده می گه گاو رو پاش وایساده جشن می گیریم... گوسفند رو بکشید.

نتیجه اخلاقی: خودتون خود هر آشی نکن.

بارها شنیده ایم که دانش آموز یا دانشجویی می گوید: «دیگر حال و حوصله خواندن این کتاب را ندارم» یا «آنقدر از این کتاب خسته شده ام که قابل گفتن نیست» و یا «هرچقدر میخوانم مثل اینکه کمتر یاد می گیرم» و یا «۱۰ بار خواندم و تکرار کردم ولی باز هم یاد نگرفتم» به راستی مشکل چیست؟ آیا برای یادگیری درس واقعاً باید ۱۰ بار کتاب را خواند؟ آیا باید دروس خود را پشت سرهم مرور کرد؟ و آیا باید دهها بار درس را تکرار کرد تا یاد گرفت؟ مطمئناً اگر چنین باشد، مطالعه کاری سخت و طاقت فرسا است. اما واقعیت چیزی دیگر است. واقعیت آن است که این گروه از فراگیران، روش صحیح مطالعه را نمی دانند و متأسفانه در مدرسه و دانشگاه هم چیزی راجع به چگونه درس خواندن نمی آموزند. یادگیری و مطالعه، رابطه ای تنگاتنگ و مستقیم با یکدیگر دارند، تا جایی که می توان این دو را لازم و ملزوم یکدیگر دانست. برای اینکه میزان یادگیری افزایش یابد باید قبل از هر چیز مطالعه ای فعال و پویا داشت.

شیوه صحیح مطالعه، چهار مزیت عمده زیر را به دنبال دارد:

- زمان مطالعه را کاهش میدهد.
- میزان یادگیری را افزایش میدهد.
- مدت نگهداری مطالب در حافظه را طولانی تر می کند.
- بخاطر سپاری اطلاعات را آسانتر می سازد.

برای داشتن مطالعه ای فعال و پویا نوشتن نکات مهم در حین خواندن ضروری است تا برای مرور مطالب، دوباره کتاب را نخواند و در زمانی کوتاه از روی یادداشت های خود مطالب را مرور کرد. یادداشت برداری، بخشی مهم و حساس از مطالعه است که

نکاتی در مورد روش های صحیح مطالعه



* سعید کریمی

باید به آن توجهی خاص داشت. چون موفقیت شما را تا حدودی زیاد تضمین خواهد کرد و مدت زمان لازم برای یادگیری را کاهش خواهد داد. خواندن بدون یادداشت برداری یک علت مهم فراموشی است.

نش روش مطالعه

خواندن بدون نوشتن، خط کشیدن زیر نکات مهم، حاشیه نویسی، خلاصه نویسی، کلید برداری، خلاصیت و طرح شبکه ای مغز

- خواندن بدون نوشتن: روش نادرست مطالعه است. مطالعه فرآیندی فعال و پویا است و برای نیل به این هدف باید از تمام حواس خود برای درک صحیح مطالب استفاده کرد. باید با چشمان خود مطالب را خواند، باید در زمان مورد نیاز مطالب را بلند بلند ادا کرد و نکات مهم را یادداشت کرد تا هم با مطالب مورد مطالعه درگیر شده و حضوری فعال و همه جانبه در یادگیری داشت و هم در هنگام مورد نیاز، خصوصاً قبل از امتحان، بتوان از روی نوشته ها مرور کرد و خیلی سریع مطالب مهم را مجدداً به خاطر سپرد.

- خط کشیدن زیر نکات مهم: این روش شاید نسبت به روش قبلی بهتر است ولی روش کاملی برای مطالعه نیست چرا که در این روش بعضی از افراد بجای آنکه تمرکز و توجه بروی یادگیری و درک مطالب داشته باشند ذهنشان معطوف به خط

کشیدن زیر نکات مهم می گردد. حداقل روش صحیح خط کشیدن زیر نکات مهم به این صورت است که ابتدا مطالب را بخوانند و مفهوم را کاملاً درک کنند و سپس زیر نکات مهم خط بکشند نه آنکه در کتاب بدنبال نکات مهم بگردند تا زیر آن را خط بکشند.

- حاشیه نویسی: این روش نسبت به دو روش قبلی بهتر است ولی باز هم روشی کامل برای درک عمیق مطالب و خواندن کتب درسی نیست ولی می تواند برای یادگیری مطالبی که از اهمیتی چندان برخوردار نیستند مورد استفاده قرار گیرد.

- خلاصه نویسی: در این روش شما مطالب را میخوانید و آنچه را که درک کرده اید بصورت خلاصه بروی دفتری یادداشت می کنید که این روش برای مطالعه مناسب است و از روشهای قبلی بهتر می باشد چرا که در این روش ابتدا مطالب را درک کرده سپس آنها را یادداشت می کنید اما باز هم بهترین روش برای خواندن نیست.

- کلید برداری: کلید برداری روشی بسیار مناسب برای خواندن و نوشتن نکات مهم است. در این روش شما بعد از درک مطالب، بصورت کلیدی نکات مهم را یادداشت می کنید و در واقع کلمه کلیدی کوتاهترین، راحتترین، بهترین و رمعی ترین کلمه ای است که با دیدن آن، مفهوم جمله تداعی شده و به خاطر آورده می شود.

- خلاصیت و طرح شبکه ای مغز: این روش بهترین شیوه برای یادگیری خصوصاً فراگیری مطالب درسی است. در این روش شما مطالب را میخوانید بعد از درک حقیقی آنها نکات مهم را به زبان خودتان و بصورت کلیدی یادداشت می کنید و سپس کلمات کلیدی را بروی طرح شبکه ای مغز می نویسید (در واقع نوشته های خود را به بهترین شکل ممکن سازماندهی می کنید و نکات اصلی و فرعی را مشخص می کنید) تا در دفعات بعد به جای دوباره خوانی کتاب، فقط به طرح شبکه ای مراجعه کرده و با دیدن کلمات کلیدی نوشته شده بروی طرح شبکه ای مغز، آنها را خیلی سریع مرور کنید. این روش در صد موفقیت تحصیلی شما را تا حدود بسیار زیادی افزایش میدهد و درس خواندن را بسیار آسان می کند و بازده مطالعه را افزایش میدهد.

شرایط مطالعه

«بکارگیری شرایط مطالعه یعنی بهره وری بیشتر از مطالعه»
شرایط مطالعه، مواردی هستند که با دانستن، بکارگیری و فراهم نمودن آنها، می توان مطالعه ای مفیدتر با بازدهی بالاتر داشت و در واقع این شرایط به شما می آموزند که قبل از شروع مطالعه چه اصولی را به کار گیرید، در حین مطالعه چه مواردی را فراهم سازید و چگونه به اهداف مطالعاتی خود برسید و با دانستن آنها می توانید با آگاهی بیشتری درس خواندن را آغاز کنید و مطالعه ای فعالتر داشته باشید:

- آغاز درست: برای موفقیت در مطالعه، باید درست آغاز کنید.
- برنامه ریزی: یکی از عوامل اصلی موفقیت، داشتن برنامه منظم است.
- نظم و ترتیب: اساس هر سازمانی به نظم آن بستگی دارد.
- حفظ آرامش: آرامش ضمیر ناخود آگاه را پویا و فعال میکند.
- استفاده صحیح از وقت: بنیامین فرانکلین، «آیا زندگی را دوست دارید؟ پس وقت را تلف نکنید زیرا زندگی از وقت تشکیل شده است».
- سلامتی و تندرستی: عقل سالم در بدن سالم است.
- تغذیه مناسب: تغذیه صحیح نقش مهمی در سلامتی دارد.
- دوری از مشروبات الکلی: مصرف مشروبات الکلی موجب ضعف حافظه می شود.

- ورزش: ورزش کلید عمر طولانی است.

- خواب کافی: خواب فراگیری و حافظه را تقویت می کند.

- درک مطلب: آنچه در حافظه بلند مدت باقی می ماند، یعنی مطالب است.

